



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۹/۰۳

نادر شاه سدوزی

چرا آقای حنیف اتمر از کار برطرف شد؟



در شروع کوشش می نمایم که مطلب خود را به طور بسیار ساده و بدون لفاظی که اقلأ برای خوانندگان جالب و دلپذیر باشد با چند مثال عرضه نمایم.

اصل مطلب از این قرار است که بدون جدیت، پشت کار، و مسئولیت پذیری امکان ندارد که آدم بتواند در امور زندگی موفق شود. مرام از زندگی به عقیده من همین کسب موفقیت، پیروزی و خوشبختی بوده که برخلاف آن تنبلی و بطالت باعث فلاکت و بدبختی، بیچارگی، ناکامی و شکست می گردد.

مطلب جالب و خواندی امروز همین استعفاى محترم حنیف اتمر را در بر می گیرد که باعث تعجب همگان قرار گرفته است. در مورد استعفاى وی امکان دارد بسیار موضوعاتی باشد که از جزئیات آن اطلاعات دقیق نداشته باشیم.

مگر اوضاع جاری قسمی است که باید در باره آن چند سطر نوشت. البته من به خود اجازه نمی دهم که در باره شخصیت شان قضاوتی داشته باشم. شخصیت هر یک قابل احترام است. ایشان از مدت های طولانی در امور سیاسی دخیل بودند و کار های خوب، مثبت و شایسته ای را با موفقیت کامل انجام داده اند که نمی توان از آن چشم پوشی نمود. وی یکی از همکاران و نزدیکان خوب رئیس جمهور محمد اشرف غنی بود. مگر چه شد که وی از کار برطرف گردید.

هرگاه از دیدگاه اطلاعات روزنامه نگاران به این قضیه نگاه شود، حوادث جنگ در ولایت غزنی که به تعداد صد ها و یا بیشتر از افراد نظامی و غیر نظامی به قتل رسیدند، با حادثه قتل و ترور محصلین در منطقه افشار و راکت پرانی ها در روز اول عید قربان نگرانی هایی را همراه داشت که سبب استعفاى آقای اتمر گردید.

این مطلب داغ روز است که البته قانع کننده نیست. به عقیده من در این مسئله مهم باید به موضوع جدیت در کار و مسئولیت پذیری توجه نمود، زیرا جدیت و پشتکار را تنها در یک امر که آنهم امور سیاسی باشد نمی توان جداگانه

مطرح نمود، بلکه در تمام ساحات، نظامی، اداری، اقتصادی و فرهنگی این مطلب «مسئولیت پذیری با پشت کار» مطرح است که باید مورد توجه قرار گیرد.

به طور مثال شما هرگاه داخل یک دفتر روزنامه نگاری شوید، دفعه‌تاً متوجه می شوید که در درون این دفتر چه می گذرد. آیا روزنامه نگاران وقت خود را به جای خوردن و وقت گذرانی سپری می نمایند و یا اینکه وقت را غنیمت شمرده با جدیت و پشتکار در تهیه اطلاعات جالب، خوش آیند و مثبت رفع مسئولیت می نمایند. اینها عوامل بیرونی هستند که به بسیار سادگی می توان به مشاهده آن پرداخت. همچنان یک مثال دیگر در اردو که خالی از دلچسپی نیست. از مدت ها سنگار «دفتر تفتیش امریکائی» در باره موجودیت عساکر در قشله های عسکری انتقاد نموده که واقعیت دارد. زیرا در بسیاری از کندک ها قوماندان تولى معاش عساکر را خود اخذ نموده و وی را رخصت می نماید. همین که در روز گرفتن معاش تعدادی نام نویسی زیاد و خود عسکر صاحبان لادرک و به کارهای شخصی خود مشغول می باشند. یکی از عوامل جنگ در غزنی که مدت شش روز دوام پیدا کرد امکان دارد که عدم موجودیت عساکر بالای وظیفه باشد. مثال دیگر در قسمت اداری رشوه است، چرا که عظمت رشوه در آنست که انسان با وجدان را به شخص بی وجدان و خائن تبدیل می کند. به طور مثال تجاری که پول خود را در راه رشوه دادن مصرف می کند وی مجبور می گردد که این مصرف را بالای نرخ اجناس اضافه کند که منتج به تورم گردیده و در نتیجه آن اشخاصی که دارای درآمد ضعیف می باشند نمی توانند خرید کنند و می گویند که قیمتی زیاد است و بدین ترتیب توان خرید از آنها سلب می شود.

این گونه معاملات غیر قانونی در اقتصاد صدمه می زند و زهری است که ضرر آن شامل حال همه بوده که از همه اولتر باعث دلسردی تاجران در سرمایه گذاری و پیشرفت اقتصادی در آبادی مملکت می گردد.

در قسمت اداره مملکت رکن اساسی آن موضوع مسئولیت پذیری و جدیت در کار و بار روزمره است. بدون مسئولیت پذیری امکان ندارد که وضع بهتر گردد. بعضی از ساکنین کابل در باره می گویند:

روز به روز وضع بدتر و وخیم تر شده می رود.

چرا؟

به چه دلیل؟

آیا در مورد امنیت مشکلاتی موجود است که به آن رسیدگی نمی شود و یا اینکه افرادی در امور امنیتی گماشته شده اند که پروای کار و مسئولیت را نداشته از غفلت و سهل انگاری کار می گیرند. بدین ترتیب ملاحظه می گردد که مشکلات مملکت بی اندازه فراوان و فراوان بوده که یک گوشه این نوع مشکلات را به موضوع جدیت در کار، مسئولیت پذیری و پشت کار مرتبط می دانم.

زیرا درک این مطلب خیلی آسان است که تقریباً نزد همه این گونه سوالات مطرح می گردد که عدم حس مسئولیت و علت ناکامی ها و شکست پی در پی در چه است؟

آیا این گونه شکست های پی در پی همراه با بی مسؤولیتی ها برای رئیس جمهور که شخص مصمم و با اراده می باشد قابل پذیرش است؟ به همین نسبت گرچه آقای اتمر از نزدیکان اشرف غنی بود ولی جناب شان می گویند که به خاطر منافع علیای کشور به چنین تصمیم اقدام نموده اند.

در واقعیت، این گپ ساده نیست، زیرا این گونه تصمیم گیری نماینگر جدیت شخص رئیس جمهور در مورد اداری و سیاسی می باشد که ایشان با عزم راسخ به خاطر صلح و پیروزی که کاری است جنجال برانگیز، عمل می نمایند.

در خاتمه می خواهم اضافه نمایم که مکافات و مجازات یکی از میتود های اصلی و بنیادی در علم سیاست تلقی می شود. به طور مثال، هرگاه طفلی را بدون مکافات و مجازات تربیه نمایند، حتماً این گونه تربیت در عمق خود ناقص می باشد، زیرا طفل نازدانه به بار آمده به درد بخور نیست. وی باید قسمی تربیت شود که در زندگی با تلاش و جدیت برخورد نماید تا پیروزی و موفقیت را نصیب خود گرداند.

همین ضرب المثل به شرایط فعلی خوب صدق می کند که مطلب خود را با بیان آن خاتمه می دهم.

« الله و بلا در گردن ملا شد »

